

بررسی تحلیلی سبک تاریخ ادبیات نویسی رینولد نیکلسون

پریسا امیری^۱، تورج زینی‌وند^۲

چکیده

بررسی شیوه و روش تاریخ ادبیات نگاری، از جمله مباحث نوین علمی و انتقادی به شمار می‌رود که نظر برخی پژوهشگران این عرصه را به خود جلب نموده است. پژوهش حاضر به تحلیل سبک‌شناسی نگارش تاریخ ادبیات اعراب توسط یکی از خاورشناسان معاصر "رینولد آلن نیکلسون" می‌پردازد. منبع اصلی این پژوهش کتاب تاریخ ادبیات نیکلسون است و نگارندگان با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی و نقد سبک نگارش این کتاب پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق، بیانگر آن است که شیوه نیکلسون در نگارش تاریخ ادبیات به ویژگی‌هایی همچون؛ ارائه اسناد و مدارک شرقی و غربی، تقسیم‌بندی تاریخ ادبیات بر اساس جریان‌های سیاسی، دوره‌بندی ادوار تاریخ، بررسی ویژگی‌های برجسته دوره‌های تاریخی، بهره‌گیری از متون دینی و... ممتاز است.

کلید واژه‌ها: سبک‌شناسی، تاریخ ادبیات، خاورشناسان، رینولد آلن نیکلسون، زبان و ادبیات عرب.

مقدمه

بررسی پیشینه آثار و متون ادبی هر قوم و ملّتی از جمله فعالیت‌های اصلی جهت شناخت تاریخ ادبیات آن ملّت و پرداختن به چنین مباحثی شاخصه بارز سبک مورّخین آثار ادبی است. با توجّه به اهمیّت شناخت چگونگی آثار ادبی در دوره‌های تاریخی و دستیابی به وجوه تمایز سبک و شیوه پژوهشگران مورّخ در این عرصه، به نظر می‌آید بهتر است در ابتدا به چیستی ادبیات، تاریخ ادبیات و نیز مفهوم سبک‌شناسی پی برد.

ادبیات غالباً مولود احساس، عاطفه و افکار انسان است، احساس و افکاری که در اثر احوالات و شرایطی متفاوت وجود می‌آید. مورّخ در مسیر بررسی تحولات آثار ادبی، جهت پی بردن به علّت و چرایی تغییر اوضاع عاطفی و فکری ادیب، به واکاوی وقایع مؤثر در زندگی، زمان، مکان و محیط جغرافیایی مربوط به ادیب می‌پردازد. «ادبیات حاصل برخورد انسان است با مسائل زندگی، چگونگی تلقی آن‌ها، چگونگی بیان آن دریافت‌ها. پس تاریخ ادبیات به این اعتبار، نمودار تجربه‌های فکری و عاطفی بشر است. بدین سبب تاریخ زنده و ملموس به صورتی خاص در ادبیات جلوه‌گر است.» (یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۹) تعریفی مختصر از تاریخ ادبیات نیز گویای آن است که تاریخ ادبیات در واقع به مفهوم پژوهش و بررسی هویت زمانی آثار ادبی و چگونگی شکل‌گیری آن آثار است. این پژوهش در بردارنده تعبیر از تغییر و تحولات اساسی‌ای است که غالباً مولود واقعه یا جنبشی تحول برانگیز در طول تاریخ بوده که بر جامعه، شرایط سیاسی، اجتماعی و افکار عمومی تأثیرگذار بوده است، لذا «تاریخ ادبیات بخشی از تاریخ تمدن است.» (سمیعی، ۱۳۸۷: ۱۵۷) تاریخ و ادبیات هر ملّتی می‌تواند بیانگر هویت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن ملّت باشد و همین‌طور میان ادبیات و وقایعی که در تاریخ یک ملّت رخ می‌دهد رابطه تنگاتنگی وجود دارد. از این‌رو «ادبیات هر قوم و ملّتی جنبه و نمایی از حیات آن قوم و ملّت است.» (همان)

سبک‌شناسی به مفهوم شیوه تحلیل، تشریح و نقد یک پژوهشگر، ادیب و یا ناقد بر متن یا متون یا شناخت شیوه‌های آفرینش متن در یک دوره زمانی خاص است. «سبک به معنی عام خود عبارت است از تحقق ادبی یک نوع ادراک در

جهان که خصایص اصلی محصول خویش (اثر منظوم یا منثور) را مشخص می‌سازد... دانشی که از مجموع جریان سبک‌های مختلف یک زبان بحث می‌کند «سبک‌شناسی» نامیده می‌شود. (بهار، ۱۳۴۹: د) سبک‌شناسی یک اثر تاریخی-ادبی گویای چهارچوب اصولی مورخ است که شیوه، اصول، ساختار و محتوای نگارش خود را براساس آن چهارچوب تنظیم کرده است. این چهارچوب مشخص‌کننده چگونگی دسته‌بندی اطلاعات، میزان اهمیت مسائل از دید مورخ، برجسته‌سازی یا عدم برجسته‌سازی برخی از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ... است.

بیان مسئله

نقد و بررسی ویژگی‌های برجسته سبک نیکلسون در نگارش تاریخ ادبیات اعراب، اصلی‌ترین هدف این پژوهش است. لذا این مقاله در پی نقد شیوه تشریح و تحلیل سیر تاریخی و ادبی اعراب توسط این پژوهشگر انگلیسی‌تبار است.

پیشینه پژوهش

در زمینه تاریخ و ادبیات اعراب، تاکنون پژوهش‌های فراوانی از جانب خاورشناسان صورت گرفته است که این امر منجر به تألیف آثار فراوانی در این زمینه گردیده است. چگونگی پیدایش تاریخ ادبیات نویسی در میان خاورشناسان بی‌ارتباط با مسئله مورد بحث نیست؛ جهت جلوگیری از اطاله کلام، در باب منشأ پیدایش تاریخ ادبیات در اروپا به توضیح فتوحی بسنده می‌کنیم: «در نیمه اول قرن نوزدهم در اروپا احساسی پدید آمد که منشأ پیدایش تاریخ ادبیات شد و آن عبارت بود از احساس تمایز امر کلاسیکی از امر رمانتیک. به محض درک تفاوت ادبیات کلاسیک و رمانتیک بحث از تحول و تغییر در گرفت و مسئله تاریخ و تحول تاریخی مطرح شد. منتقدان و ادیبان دریافتند که ادبیات هم تاریخ دارد و باید تبار خطی آن در ظرف تاریخ بررسی و نشان داده شود.» (فتوحی، ۱۳۸۲: ۲۴) تا به امروز خاورشناسان موفق به تألیف آثار متعددی پیرامون تاریخ ادبیات اعراب شده‌اند از جمله: تاریخ ادبیات عرب تألیف رینولد آلن نیکلسون، ادب عربی (درآمد) تألیف هامیلتون گیب، تاریخ ادبیات عربی تألیف رژی بلاشر، تاریخ

ادبیات عرب تألیف ادوارد براون و... پژوهش حاضر در پی تحلیل و بررسی سبک نگارش کتاب تاریخ ادبیات اعراب توسط یکی از خاورشناسان معاصر "رینولد آلن نیکلسون" (۱۸۶۸-۱۹۴۵م) انجام‌گرفته است، لذا پردازش و بررسی جنبه‌های چشمگیر و با اهمیت و (در پاره‌ای موارد) ممتاز وی در راستای تحلیل این اثر از جمله اهداف پژوهشی مقاله حاضر است.

الف) پردازش تحلیلی موضوع

در پژوهش حاضر در پی دستیابی به چگونگی سبک نگارش رینولد آلن نیکلسون، خاورشناس معاصر انگلیسی در کتاب "تاریخ ادبیات عرب" وی، مؤلفه‌ها و اصول برجسته این اثر به شرح زیر موردبررسی و ارزیابی قرارگرفته است.

الف.۱) چگونگی طرح دوره‌بندی ادوار تاریخ

توجه پژوهشگر به زمان و تاریخ در پژوهش‌های تاریخی، عمود اصلی پژوهش نیکلسون است. غرض اصلی نیکلسون بررسی ادبیات عرب و شناخت تطور آن در طول تاریخ و گذر زمان و تغییر و تحول آن است. «ادبیات صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای درهم‌برهم از متون در رابطه‌ای تصادفی با یکدیگر در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه زنجیره‌ای از برهه‌ها یا صحنه‌هایی که باهم روایتی منسجم و معقول می‌سازند، محسوب می‌شوند.» (گرین و لیبهان، ۱۳۸۳: ۱۶۲) از این رو چگونگی انسجام یافتن ادبیات به همراه تاریخ آن در کتاب تاریخ ادبیات نیکلسون مورد توجه قرار می‌گیرد. نیکلسون در کتاب خود، غیر از شعر و ادب از موضوعاتی مانند تاریخ اسلام، شخصیت‌ها و دوره‌های مختلف ادبی سخن گفته است سپس به دوره‌های مختلف مانند عصر جاهلی، عصر اسلامی، اموی، عباسی و دوره پس از حمله مغول می‌پردازد (دادخواه، سعدونی، ۱۳۸۹: ۴۹-۵۰). از جمله راهبردهای نیکلسون در راستای توصیف و تحلیل تاریخ اعراب، تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخی به دو گونه است: ۱- آکادمیک ۲- گاه‌شمارانه

الف. ۱. ۱) شیوه آکادمیک

از آنجایی که ظهور برخی جریان‌های سیاسی، مذهبی و تاریخی، منجر به بروز تغییر و تحول در ادبیات می‌شود، نیکلسون در تقسیم‌بندی دوره‌ها نیز با در نظر گرفتن پیدایش تغییرات اساسی در ادبیات اعراب اقدام به تقسیم ادوار تاریخی به شیوه آکادمیک نموده است. این تغییرات عمدتاً تحت تأثیر اوضاع و احوال سیاسی رخ داده است؛ چراکه «تاریخ ادبی و تاریخ سیاسی و ضرورت دوره‌بندی، احساس تغییر است. هر جا که احساس تغییر ظاهر شود، دوره تازه‌ای شروع می‌شود. در دوره‌بندی‌ها ما عامل مسلط تاریخی را داریم که به دو دلیل آن را لحاظ می‌کنند: یکی اینکه تاریخ سیاسی، به‌ویژه زمینه تاریخ ادبیات است. دوم این‌که شاید برخی، عوامل تاریخی را در تغییر مؤثر می‌دانند.» (فتوحی، بی‌تا: ۴۸)؛ بنابراین از آنجایی که زندگی اعراب پس از ظهور اسلام از سه جنبه مذهبی، سیاسی و تاریخی دچار تحولاتی عظیم گشت، نیکلسون نیز با توجه به این تغییرات اساسی در دوره‌بندی تاریخ به استفاده از شیوه آکادمیک روی آورده است.

الف. ۱. ۲) شیوه گاه‌شمارانه

«الگوهای گاه‌شمارانه خطوط زمانی دلخواه را براساس دهه و سده به کار می‌گیرد.» (همان) نیکلسون در اثر تاریخی خود در آغاز با شرح چگونگی پیدایش اقوام نخستین اعراب، آثار باقی‌مانده از آنان و حوادث با اهمیت در دوران آنان به صورت کافی اشاره کرده است. او در ابتدای پژوهش خود، جهت به تصویر کشیدن نمایی کلی از دنیای آن روزگار و چگونگی سیر تاریخی اعراب برای مخاطب، شیوه تقسیم‌بندی گاه‌شمارانه را ارائه می‌دهد. در این روش نیکلسون در یک تقسیم‌بندی کلی تاریخ اعراب را به سه دوره تقسیم می‌کند. او در این باره می‌نویسد: «تاریخ اعراب تا اینجا، آن‌طور که دانش ما از منابع عربی بیرون کشیده است به سه دوره ذیل تقسیم می‌شود: ۱) دوره سبأییان و حمیرا از ۸۰۰ سال قبل از میلاد تا ۵۰۰ میلادی. ۲) دوره قبل از اسلام (از ۵۰۰-۶۲۲ میلادی) ۳) دوره اسلامی که از هجرت پیامبر (ص) در سال ۶۲۲ میلادی از مکه شروع می‌شود و تا زمان حال ادامه دارد.» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۲۸) شرح این نوع تقسیم‌بندی

توسط نیکلسون، صرفاً جهت ارائه یک طرح یا تصویر کلی از دوران تاریخی است، زیرا در تقسیم‌بندی که اصل و اساس پژوهش نیکلسون بر آن استوار است، شیوه آکادمیک غالب است.

الف. ۲) بررسی ویژگی‌های برجسته هریک از ادوار

بیش از یک قرن است که اروپاییان به کار ادب تازی پرداخته‌اند، نخست مجموعه‌های عظیم و عمومی تألیف کردند. سپس به جوانب گوناگون ادب توجه نمودند. چون فهم معانی از برایشان آسان شد، به بازیافتن جو محیطی که برخی آثار منظوم و منثور در آن‌ها وجود یافته بود، همت گماشتند. (بلاشر، ۱۳۶۳: ۸) از دیگر ویژگی‌های سبکی نیکلسون در بررسی تاریخ ادبیات اعراب به این شکل است که در آغاز به شرح و تفصیل اوضاع حاکم بر جامعه در دوره موردبحث می‌پردازد و پس از معرفی جو، شرایط و عقاید حاکم بر جوامع در آن روزگار، به معرفی شاعران برجسته زمان موردبحث، بررسی ادبیات و همچنین مضمون و محتوای ادبیات آن روزگار اقدام می‌کند. چنانکه از همان ابتدا در بررسی ادبیات دوران جاهلی، پرداختن به انبوه مغشوشی از اشعار و اسطوره‌های عرب قبل از اسلام را بیهوده می‌داند و راه بهتر را شرح ویژگی‌های برجسته آن زمان می‌داند؛ بنابراین کتاب او بیشتر تصویرگرِ احوالات و شرایط برجسته زمان و روزگاری است که در آن شعر و ادبیات شکل گرفته است. خود او در این بار می‌نویسد: «من سعی ندارم در صفحات آینده به انبوه مغشوش اشعار و اسطوره‌هایی که از عرب قبل از اسلام می‌شناسیم نظم منطقی بدهم. به گمان من راه بهتر این است که چند ویژگی برجسته آن زمان را - به همان صورت که خود اعراب عمدتاً به صورت تخیلی انتخاب کرده‌اند - تا آنجا که ممکن است بیان کنیم. گرچه این روایات عربی فاقد دقت تاریخی هستند، مع‌الها به‌طورکلی بیانگر روح قرون وسطایی است که متعلق به آن زمان هستند.» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۶۱) این ویژگی‌ها که از ارکان اصلی تشکیل‌دهنده ساختار و محتوای تاریخ ادبیات نیکلسون است، به این ترتیب است که نیکلسون در هر یک از ادوار پس از شرح مفصلی پیرامون ویژگی‌های برجسته آن دوره (اوضاع سیاسی-تاریخی، اعتقادی، دینی و...) به بررسی شعر و ادبیات می‌پردازد. با این رویکرد، مخاطب به‌خوبی درخواهد یافت که مؤلف در راستای

اثبات رابطه علی و معلولی میان شرایط و احوالات موجود در جامعه و ادبیات، آمیختگی و التقاط این دو مبحث را به فراوانی برجسته کرده و ادبیات را مولود آن می‌داند. او مانند گروهی از مورخان ادبی عمل کرده است که «در تفسیر سببی و علی معلولی ادبیات، آثار ادبی را محصول آگاهی جمعی و خرد گروهی جوامع می‌دانند. بر مبنای این نظریه، تاریخ تفکر، تاریخ ادیان و عقاید و دیگر هنرها، با تاریخ ادبیات درهم آمیخته می‌شود. آن‌ها وظیفه مورخ ادبی را بررسی تاریخ عقل و شعور انسان می‌دانند. مورخ ادبی باید با تاریخ علوم، فلسفه، هنرهای زیبا و تاریخ سیاسی اجتماعی - اقتصادی آشنایی داشته باشد.» (فتوحی، ۱۳۸۲: ۷۲)

بنابراین نیکلسون در پژوهش خویش بر اساس یک راهبرد انتظام یافته به دسته بندی عواملی می‌پردازد که نقش علی و سببی را در پیدایش ادبیات بر عهده داشته اند. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: ۱- عقاید و افکار اعراب. ۲- شرایط تاریخی - سیاسی.

الف. ۲. ۱) عقاید و افکار اعراب

«بر اساس آراء گوستاوانسون یکی از ویژگی‌های روش تاریخ ادبیات نگاری گروه‌بندی آثار بر حسب خویشاوندی محتوایی است که با خویشاوندی محتوایی و افکار و عواطف تاریخ جریان‌های فکری و اخلاقی شکل می‌گیرد.» (نک. سمعی، ۱۳۸۷: ۱۶۹) نیکلسون نیز در دسته‌بندی آثار جهت درک چگونگی سیر تاریخ، مذهب و ادبیات عرب، اساس را خویشاوندی محتوایی و افکار، عواطف و عقاید دینی - اخلاقی اعراب گذاشته، به پردازش عمیق و هدفمند پیرامون "عقاید و افکار" اعراب دست‌زده است؛ «عقایدی که خود را در ادبیت عرب نشان می‌دهند عمیقاً ارتباط به تاریخ زندگی این مردم دارند.» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۳۱) همان عقایدی که منجر به پیدایش احزاب و فرقه‌هایی با آرمان‌های مذهبی گردید. این آرمان‌ها از دوران اسلام به بعد نقش بزرگی در ظهور و سقوط این فرقه‌ها و سلسله‌ها داشتند.

در دوران جاهلی مبادی اعتقادی - اخلاقی مردم عبارت بود از پرستش خدای برتر به نام "الله" در کنار بت‌های دیگر چون "اللات"، "منات" و "العزی" و سخاوت و مهمان‌نوازی و افتخار به شرف بر اساس اصالت اجدادی. دو کلمه

"دوست و دشمن" را که شاعر عرب به کار می‌برد به‌عنوان نمونه اخلاق بدوی است. عرب جاهلی همان‌طور که برای دوست سخاوت و بخشش دارد نسبت به دشمن انتقام‌جو و خونخواه است. نیکلسون با شرح و تفصیل صفات مذکور به بررسی نمونه‌های آرمانی اخلاقی چون حاتم طائی، داستان و اشعار پیرامون خونخواهی و وضعیت دینی مردم پرداخته است.

در دوران اسلام و پس‌از آن، در مبادی اعتقادی اخلاقی اعراب تحولاتی بسیار عظیم رخ داد که در پی آن منشور اخلاقی نامکتوب عرب بدوی که منشأ بسیاری از جنگ و خون‌ریزی‌های جاهلی بود، باید به فراموشی سپرده می‌شد. اساس این اعتقادات بر مبنای تعالیم دینی محمد^(ص) بنیان گذاشته شد که عبارت بود از «وحدانیت خداوند، رسالت محمد^(ص)، قیامت و عقوبت.» (همان: ۱۷۸) ظهور اسلام و تغییر در منشور اعتقادی اخلاقی اعراب منجر به روی کار آمدن حکومت‌ها، سلسله‌ها و احزابی پس از رحلت پیامبر شد که هریک براساس آرمان‌هایی می‌جنگیدند و این مباحث قسمت اعظمی از کتاب نیکلسون را به خود اختصاص داده است. وی همان‌گونه که در هر دوره به حکومت و مسائل با اهمیت آن دوران می‌پردازد به‌خوبی فرقه‌های مذهبی (چون: معتزله، مروجین، صوفیه و ...) را نیز از پیدایش تا سرانجام تحلیل می‌کند.

الف. ۲. ۲) شرایط تاریخی - سیاسی

از دیدگاه یک مورخ شرایط تاریخی - سیاسی جامعه، در شمار عواملی است که نمی‌توان از تأثیرات آن بر ادبیات چشم‌پوشی کرد؛ «چراکه تاریخ سیاسی همیشه پس‌زمینه تاریخ ادبی تصور شده و عامل مهمی در دگرگونی‌های فرهنگی بوده است. دلیل این امر آن است که تاریخ‌نگاران، همواره جایگاه ادب را به پس‌زمینه‌ای به‌جامانده از تحولات سیاسی - اجتماعی و یا به‌حبابی روی آب تقلیل داده‌اند.» (افضلی، ۱۳۹۱: ۴۵) در این راستا نیکلسون به شرح و تفصیل "وقایع سیاسی" می‌پردازد که در شکل‌گیری ادبیات و تاریخ ادبیات امت عربی دخیل اند و در ابتدای کتاب پس از یک پردازش کلی به تاریخ اعراب و وقایع مهمی از جمله احوالات ممتاز اعراب جاهلی، اسلام، روی کار آمدن حکومت عباسی و ... می‌گوید: «بعضی از وقایع سیاسی که قبلاً به‌طور خلاصه مطرح شد در ساخت

این اثر (کتاب تاریخ ادبیات) تأثیر فوق‌العاده دارد؛ بقیه چیزی جز یک نگاه گذرا نیست. «(نیکلسون، ۱۳۸۰: ۳۱) نیکلسون در این کتاب، حوادث و وقایع سیاسی‌ای را که -در تمام ادوار مختلف اعراب- نمایانگر فضا، شرایط و اوضاع مربوط به هریک از ادوار شکل‌گیری ادبیات آن زمان است به‌خوبی موردبررسی قرار داده است و به شرح و بررسی بسیاری از حوادث تاریخی پیش از اسلام و وقایع مهم سیاسی در بقیه ادوار چون جنگ‌ها، ظهور و سقوط خلفا، سلسله‌ها و... پرداخته است. نیکلسون در آغاز دوران عباسی در باب چگونگی و کم و کیف احوالات سیاسی در آن دوران این‌گونه به‌صراحت به تقدم یافتن مسائل سیاسی بر ادبیات و مذهب در پژوهش خویش اذعان کرده؛ «حال باید به‌طور عمده درباره سیاست این امپراتوری‌های ولایتی صحبت کنیم و بیشتر از جهت سیاسی، آن‌ها را موردنظر قرار دهیم، ادبیات و مذهب را درجایی دیگر، به‌طور کامل بررسی خواهیم کرد.» (همان: ۲۷۷) نیکلسون وقوع بسیاری از وقایع سیاسی را زمینه شکل‌گیری ادبیات می‌داند.

پیوستگی و ارتباط ناگسستنی تاریخ و ادبیات که مبحث اصلی و مورد توجه محققان تاریخ ادبیات است، از مقدمات ورود آنان به تحقیق در رابطه با پاره‌ای وقایع تاریخی تأثیرگذار و با اهمیت در روند شکل‌گیری ادبیات در طول تاریخ است. همین امر، باعث شده است که مورخ تاریخ ادبیات، مانند مورخین تاریخ محض از علوم فراوانی آگاهی داشته باشند، چراکه امروزه در فن تاریخ‌نگاری از علوم فراوانی از ریاضیات، جغرافیا تا جامعه‌شناسی و روان‌شناسی استفاده می‌شود. همان‌طور که «دیدگاه مکتب آنال می‌گوید؛ مؤلف برای نگارش تاریخ باید به حوزه‌های مختلف علوم انسانی چون روان‌شناسی، ادبیات، فلسفه، جغرافیا و اقتصاد مراجعه کند.» (شایسته، ۱۳۸۹: ۴۵) بررسی نقش و اثر عامل جغرافیا در تاریخ و ادبیات، نیز از جمله علمی است که رینولد آلن نیکلسون در بررسی، شرح و تحلیل بسیاری از تغییرات ادبی-تاریخی، در نگارش اثر خود مورد توجه قرار داده است.

الف. ۳) ارائه اسناد و شواهد از منابع دسته اول

امروزه هر محقق و پژوهشگری که درزمینه تاریخ ادبیات به پژوهش بپردازد، جهت به تصویر کشیدن بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد و ملل در گذشته، نیازمند آگاهی و دسترسی به اسناد و شواهدی است که نمی‌توان نبود چنین مدارک و منابعی را بی‌اهمیت پنداشت. «بسیار دیده می‌شود که محققانی در نگارش آثار خویش، بدون ارائه مدارک و منابع به تجزیه و تحلیل رخدادهای و حوادث تاریخی می‌پردازند؛ و این در حالی است که محقق امروز چون نسبت به رویداد مورد بررسی فاصله زیادی دارد، امکان مشاهده و دسترسی مستقیم بدان حادثه را ندارد. لذا بایستی هر آنچه را تبیین و تدوین می‌کند متکی بر شواهد و مدارکی باشد که گفته‌ها و آثار او را تأیید نماید. لذا هر گفته تاریخی بدون اشاره به مدارک درخور و شایسته نامقبول و غیرقابل پذیرش خواهد بود.» (هروی، ۱۳۸۶: ۱۱۶)

در پژوهش‌های تاریخی، استفاده پژوهشگر از منابع و مآخذ مورد وثوق نشان‌دهنده میزان آگاهی وی از تحقیقات شکل گرفته در رابطه با موضوع مورد بحث است. نیکلسون با ارائه اسناد و شواهد فراوانی که در خلال پژوهش خود از آنها استفاده کرده به نوعی به استفاده از منابع دسته اول اروپایی و شرقی پرداخته است. کثرت استفاده وی از این نوع منابع مخصوصاً منابعی که توسط خاورشناسان گردآوری گردیده است، به وضوح بیانگر گستردگی و توسعه مطالعات انجام شده توسط دیگر پژوهشگران و همچنین عمق مطالعات او درزمینه تاریخ ادبیات اعراب است. نیکلسون در کتاب *تاریخ ادبیات عرب* پس از شناسایی، مطالعه و جمع‌آوری اسناد و شواهد بسیاری درزمینه‌های مختلف و در مراحل گوناگون فراز و فرود تاریخ اعراب در خلال بحث و بررسی پیرامون مباحث مورد نظر با استناد به تحقیقات و سایر منابعی که توسط خاورشناسان و مورخان شرقی انجام شده است به بررسی می‌پردازد. شواهد زیر نمونه‌هایی از این عملکرد وی در ضمن پژوهش تاریخی اوست:

الف. ۳. ۱) استناد به منابع غربی

در بررسی اقلیم جغرافیایی سلسله‌های دوره اول عباسی به استنادی لین پول (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۲۷۸)، در بررسی سلسله‌های دینی به یروفسور براون (همان: ۲۸۶)، در شرح چگونگی تطور شعرای اموی به بروکلیمان (همان: ۲۴۹) و در شرح چگونگی تبلیغ عباسیان نیز به ون فلوتن (همان: ۲۶۲) استناد می‌کند. نیکلسون در خلال بررسی پدیده‌های مذهبی نیز به نظرات ام. پی. کازانوا که کاشف یکی از رسائل اخوان‌الصفا (از سردمداران اعتزال) است، ارجاع می‌دهد (همان: ۳۷۷) در شرح چگونگی فضای ادبی بغداد که ابوالعلاء معری (شاعر و فیلسوف عصر عباسی) در آن سیر می‌کرد به مطالعات یروفسور مارگلیوت استناد می‌کند (همان: ۳۲۱) در معرفی احادیث به عنوان منبع آگاهی از زندگی پیامبر (ص) به قول دکتر اسپرنجر استناد می‌کند. (همان: ۱۶۳)

الف. ۳. ۲) استناد به منابع شرقی

نیکلسون همان‌گونه که به وفور از شواهد و مستندات مستشرقان استفاده کرده، از منابع شرقی نیز بهره برده است: در بررسی شعر اعشی (شاعر جاهلی) به ابوالفرج اصفهانی نویسنده کتاب الاغانی (همان: ۱۴۵)؛ و در جایی دیگر که می‌خواهد به ویژگی‌های برجسته شخصیت خلیفه دوم مسلمین بپردازد به تاریخ طبری استناد کرده است (همان: ۱۹۹)؛ و به روایات ابن خَلکان، در شرح چگونگی اختلاف ابوالحسن اشعری با استادش (همان: ۳۸۳) و نیز در شرح پاره‌ای از زندگی معتمد اشبیلیه (همان: ۴۲۷) استشهاد کرده است. همین‌طور در تفسیر یکی از افسانه‌های عربان بت‌پرست به اظهارات ابن قتیبه (همان: ۶۴)؛ و در بررسی جایگاه شاعر در میان اعراب قبل از اسلام به ابن رشیق قیروانی استناد می‌کند (همان: ۱۰۱)

الف. ۴) تحلیل تاریخ به یاری ادبیات

پیش‌ازاین، درباره نقش و میزان اهمیت مدارک و شواهد در جستجو و دستیابی به تصویری واقعی و صحیح از رخداد‌های تاریخی توضیحاتی ارائه گردید. برای پژوهشگران تاریخی روشن است که «پژوهشگر علم تاریخ با بررسی و تجسس زمینه‌های یک واقعه و دستیابی به تمامی اسناد، مدارک و شواهد یک

رخداد، به تبیین فرایند واقعی و صحیح از رویدادهای تاریخی خواهد پرداخت. با تعقیب علل و معلول‌های موجود در یک حادثه، به نتیجه‌گیری‌های منطقی و اصولی مبادرت ورزیده و حکم غیابی در تحسین و یا تقبیح یک شخص یا یک واقعه نخواهد داد.» (هروی، ۱۳۸۶: ۳۳) استفاده از اشعار باقی‌مانده از اعراب جهت بررسی تاریخ واقعی و صحیح آنان از دیگر روش‌های نیکلسون در نگارش کتاب تاریخی اوست، چنان‌که بنا بر عقیده وی در تحلیل مشخصات اعراب بدوی «نگاشتن تاریخ صحیح این قبایل بدوی کاری تقریباً غیرممکن است؛ زیرا منابع قابل اطمینانی نداریم، به‌جز پاره‌ای از قصاید و اشعار که حفظ شده‌اند.» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۱۴) وی در استفاده از قدیم‌ترین اشعار موجود معتقد است «می‌توان اشعار عهد باستان عرب را به‌عنوان نقد مصور زندگی و فکر مردم در قبل از اسلام ارزیابی کرد. در این اشعار، عرب خود را در طول تاریخ بدون شاخ و برگ و بی‌مبالغه ترسیم کرده است.» (همان: ۱۰۸) یا این‌چنین به نقش برخی از اشعار باقی‌مانده در تبیین نکات تاریخی اشاره می‌کند: «در اشعار حارث بعضی نکات تاریخی یافت می‌شود، چنان‌که شمه‌ای از جنگ‌های شمال عربستان را در مورد رقابت‌های روم و ایران روشن می‌سازد.» (همان: ۱۳۸) بنابراین نیکلسون جهت بررسی تاریخ و زندگی اعراب با استفاده از اشعار و قصاید باقی‌مانده، (که تنها مدارک و شواهد موجود در واکاوی برخی جنبه‌های زندگی آنان است) به شرح و تحلیل حوادث تاریخی و خصائص و ویژگی‌های بسیاری از قهرمانان اعراب پرداخته است که این اشعار گویای تاریخ و علت برخی از نزاع‌های اعراب پیش از اسلام و این خصائص و ویژگی‌ها، بیانگر الگوی اخلاقی زندگی یک عرب بدوی اصیل است. لذا وی جهت تحسین، تقبیح و یا توصیف وجوهی از تاریخ و زندگی این مردم چون روحیه قهرمانی، وفاداری، چگونگی رفتار با دوست و دشمن، خونخواهی و... و وقایع تاریخی چون انتقام‌گیری عمرو بن‌کلثوم، جنگ داحس و غبر(همان: ۹۱-۹۰)، جنگ بسوس(همان: ۸۵) و حمله سپاه ابرهه (همان: ۱۰۰-۹۸) و... از اشعار باقی‌مانده بهره گرفته است.

الف. ۵) بررسی پیوند ادبیات و دین

در کتاب نیکلسون، عواملی که منجر به حرکت و تغییر ادبیات در تاریخ اعراب می‌شود بر دو محور وقایع مهم تاریخی - سیاسی و دین استوار است. پیش‌تر درباره چگونگی پردازش وی به وقایع مهم تاریخی و سیاسی بحث شد. نظر به تاریخ دینی اعراب نیز از جمله مباحثی است که مورخین به‌خوبی آن را مورد توجه قرار داده‌اند، اما وجه تمایز نیکلسون نسبت به سایر مورخین حاکی از پیگیری جنبش‌ها و فرقه‌های دینی مهم و تأثیرگذار در تاریخ، سیاست و ادبیات است. وی با رعایت تسلسل تاریخی در ضمن بررسی عوامل مؤثر در جنبه‌های مختلف تاریخ ادبیات، به مباحثی پرداخته که تأثیرات فراوانی در ساخت پیکره ادبیات اعراب در طول زمان‌های مختلف را دارا است. یکی از این مباحث دین و تحولات آن در دوره‌های مختلف است. تحلیل‌های مفصل و عمیق نیکلسون در این زمینه، بیانگر مطالعه و تحقیق فراوان وی در تاریخ اعراب است. چنان‌که از همان دوره‌های اول از اوضاع دینی - مذهبی اعراب گزارش‌هایی ارائه داده است. (همان: ۹۳ و ۱۵۶) تا بتواند به کمک این شیوه، هنگام پردازش مبانی پیدایش بسیاری از تغییر و تحولات در اجتماع، سیاست و ادبیات عرب، به راحتی به تفسیر و تبیین بپردازد. واکاوی فرقه‌های مذهبی، بررسی نظریات آنان و معرفی پیشوایان و سردمداران این فرقه‌ها از جمله این تفاسیر است. نیکلسون پس از تفسیر اصل باورهای این فرقه‌ها و پیشوایان آنان گاهی به نمونه ادبی آنان اشاره کرده، سپس به ادبیاتی که در زمان متعلق به این عقاید شکل گرفته است پرداخته است؛ در دوران بنی امیه به بررسی مباحث فکری اسلامی احزاب آن دوران (خوارج، سبائیه، مرجئه، زهد و تصوف) پرداخته، سپس نمونه‌ای از اشعار زاهدانه را بیان و در ادامه سایر قالب‌های شعری و نثری رایج در ولایات را در پوشش معرفی شاعران برجسته آن دوران بررسی کرده است. (همان: ۲۲۸-۲۵۹) در عصر عباسی پس از شرح چند تن از شاعران نمونه آن دوره به همراه نمونه‌های شعری آنان، به تفسیر شعر عرفانی عرب در آن دوره و شاعران بنام آن و سپس آثار منشور آن دوره و در نهایت چگونگی تطور سجع و تحول نثر و به معرفی ادیبان مشهور در این فن پرداخته است، (همان: ۳۰۵-۳۳۸) و در نهایت توجهی گذرا به بزرگ‌ترین

نویسندگان و مشهورترین آثار این عصر در زمینه مذهب کرده (همان: ۳۴۴-۳۳۹) و در ادامه با بررسی پدیده‌های مذهبی دوره عباسی تحت سه عنوان: ۱- اصالت عقل و آزاداندیشی. ۲- عکس‌العمل سنیان و ظهور علم کلام. ۳- عرفان صوفیانه به بسط و تفصیل تأثیر دین در تاریخ و ادبیات اعراب پرداخته است. (همان: ۳۷۳)

الف. ۶) استشهاد به آیات قرآن

نیکلسون جهت تحلیل و تفسیر بسیاری از قضایای مهم تاریخی و واکاوی کیفیت عقاید دینی- مذهبی به استشهاد از قرآن روی آورده که انواع استشادهای قرآنی وی را می‌توان در پنج دسته، دسته‌بندی نمود:

الف. ۶. ۱) تحلیل وقایع مهم تاریخی

از جمله قضایای تاریخی و سرنوشت‌سازی که تحولات آینده مذهبی و سیاسی سرزمین‌های جهان اسلام را رقم زد بحث پیدایش حکومت اسلامی است که نیکلسون در کتاب خود پیدایش نبرد با مخالفان و چگونگی آن را با ارائه آیاتی از قرآن کریم تحلیل کرده است. به‌عنوان نمونه پیرامون قضیه نزول قرآن بر پیامبر به سوره‌های مبارکه "علق و مدثر" و جهت اشاره به قضیه به معراج رفتن پیامبر به سوره "الاسراء" استشهاد کرده است. همچنین نیکلسون در توصیف حزب منافقین جهت معرفی آنان از قرآن یاری گرفته است.

الف. ۶. ۲) ارائه مبانی دینی- اعتقادی اسلام

نیکلسون در پردازش به اصول اساسی تعالیم پیامبر^(ص) به این ترتیب با استناد به آیات قرآن کریم، اصل وحدانیت خداوند و اصل نبوت را مورد بررسی قرار داده است و در بررسی اصل (معاد) قیامت و عقوبت آورده است: افکار عرب قبل از اسلام، درباره زندگی پس از مرگ، هرگز از حد خرافات مبهم و بدوی تجاوز نمی‌کرد. برای مثال عرب دوره جاهلی معتقد بود روح انسان پس از مرگ در آرامگاه وی به شکل جغد فریاد می‌زند؛ بنابراین تعجبی نیست که عقیده به روز رستاخیز و مکافات آن روز که به وسیله مباحث و استدلالات در هر صفحه قرآن تأکید شده برای مکیان بت‌پرست، مهمل، خرافه و باورنکردنی به نظر آید.

الف. ۶. ۳) ردّ برخی از آراء سیره‌نویسان

گرچه مؤثّر و سایر سیره‌نویسان محمد^(ص) معتقدند که اسلام فقط برای عرب‌ها طرح ریزی شده بود و ادعای جهانی بودن نداشت، اما اظهارات آن‌ها به شهادت روشن خود قرآن رد شده است. در یکی از سوره‌های اولیه می‌خوانیم: وَ إِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۱۹۸)

الف. ۶. ۴) تعبیر از مبانی عبادی، اعتقادی و اخلاقی اعراب

نیکلسون در تفسیر حرکت فکری و اعتقادی برخی فرقه‌ها (اعتزالیون، زاهدین) و دستور اقامه نماز به سوره الفاتحه و نیز به استشهاد از آیات قرآن کریم روی آورده است. بررسی چگونگی جایگزینی عقاید اسلامی با عقاید جاهلی، نیز دیگر مبنای اعتقادی‌ای است که نیکلسون در راستای تحلیل آن به استشهاد از قرآن کریم روی آورده است؛ در اولین قدم، بنیاد عقاید اسلامی، آنچه برای عرب بدوی، بیگانه و غیرقابل درک بود. شکستن بت‌هایش نبود که آن‌ها را آن‌قدر وادار به مقابله می‌کرد، بلکه ایجاد روحیه عبادتی که محمد در پی کاستن آن در دل‌های آن‌ها بود و تعیین زندگی آن‌ها براساس تقدیر الهی و قدرت مطلق خدا و جزای آن، روزه گرفتن، نماز گزاردن، چشم‌پوشی از تمام لذت‌ها و بخشش مال و ثروتی که از آنان به نام خدا خواسته می‌شد، در اعراب مخالفت برمی‌انگیخت. علی‌رغم این عبارت: "لا دین الا بالمروه" بدویی که اسلام می‌یابد بخش اعظم مرامنامه اخلاقی نامکتوب خود را فراموش می‌کند و مانند یک مسلمان مؤمن بدی را با خوبی پاسخ می‌دهد، دشمنانش را می‌بخشد و خاطر چریحه‌دارش را با اطمینان ورود به بهشت تسکین می‌دهد: الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ. الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (همان: ۱۲۳)

الف. ۶. ۵) ردّ نظریه شاعریّت پیامبر^(ص)

محمد^(ص) پیامبری است که وحی بر او نازل شده بود و نمی‌توانست همانند شعرابی باشد که الهامشان مدیون شیاطین و عقاید بت‌پرستانه بوده و به اندیشه کافرانه که محمد^(ص) سعی در برانداختن آن داشت افتخار می‌کردند و قرآن درباره

آن‌ها گفته است: وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (همان: ۱۷۶)

الف. ۷) استشهاد به امثال و حکم عربی

نیکلسون در مطالعه ادبیات، تاریخ و زندگی اعراب از بررسی جنبه اجتماعی - فرهنگی زندگی آنان غافل نمانده است، وی در بررسی داستان‌ها و افسانه‌های اعراب و شعر و ادبیات آنان با استشهاد به ضرب‌المثل‌های اعراب به مطالعه پاره‌ای از وجوه فرهنگی زندگی آنان پرداخته است که به عقاید، هنجارها، باایدها و ناپایدها، پسندها و ناپسندهای جامعه، وقایع تاریخی مهم و بررسی شعر برخی از شاعران اعراب اشاره دارد. با توجه به این که «مطالعه ضرب‌المثل‌ها مجالی است برای درک عملی زندگی مردم، عقاید، اندیشه‌ها، هنجارها، باایدها و ناپایدها، پسندها و ناپسندهای یک جامعه.» (متقی‌زاده، نیکو بخت، ۱۳۹۳: ۱)؛ و از آنجایی که نیکلسون در پی بررسی همه‌جانبه زندگی اعراب است، نمی‌تواند از اهمیت این موارد چشم‌پوشی کند؛ چراکه این مباحث در شکل‌گیری افکار و احساسات اعراب دارای تأثیرات بسزایی است. در جدول زیر گزیده‌ای از این ضرب‌المثل‌ها و مناسبت نقل آن‌ها تبیین گردیده:

ضرب‌المثل به زبان عربی	ترجمه	مناسبت نقل
معامله ابوغبشان / یا صفقة اسی غبشان (ص ۹۵)	دیوانه‌تر از ابوغبشان	فروش کلید کعبه به یک مشک شراب. در مذمت کلید دار کعبه (بیان هنجار)
أوفی من فکیهه - أوفی من ام جمیل (ص ۱۱۷)	وفادارتر از فکیهه - وفادارتر از ام جمیل	(بیان پسندهای جامعه عربی)
قتل البنات رحمة و دفن البنات من المکرمات (ص ۱۱۹)	کشتن و دفن دختران از بزرگی‌هاست	شرح زنده به گور کردن دختران
أشام من عافر الناقه أو من أحمر ثمود (ص ۳۶)	شوم‌تر از بی‌کننده ناقه یا از احمر ثمود	نکوهش قوم عاد و ثمود.
حتى یؤب المنخل (ص ۷۸)	تا منخل برگردد (ناپدید شدن منخل در پی علاقه به همسر نعمان سوم)	در بررسی شخصیت نعمان سوم

فالظالعُ لأيدرك شأوا الضليع (ص ۳۳۳)	اسب لنگ نمی‌تواند همانند اسب تندرو مسابقه بدود	در تقدیر از بدیع‌الزمان
اعلمه الرماية كل يوم / فلما اشتد ساعده رماني (ص ۶۳)	روزگاری به او تیراندازی را آموزش دادم، و چون بازوانش قوی گردید خودم را با تیر زد	اشاره به مرگ ملک ازد اولین پادشاه عرب به دست پسرش
كفى المرء فضلاً أن تعد معاييه (ص ۳۱۷)	برای شایستگی مرد و فضل او، کافی است که معایبش را شمرد.	در نقد شعر متنبی
أندم من الكسعي (ص ۲۵۶)	پشیمان‌تر از کسی	شرح پشیمانی فرزددق در اشعارش

الف. ۸) توجه به تحولات ادبی نظم و نثر در دوره‌های مختلف

در پاسخ به چگونگی توجه نیکلسون به ادبیات اعراب در دوره‌های مختلف تاریخی، می‌توان گفت سبک نیکلسون بنا بر یک شیوه راهبردی و انتظام یافته است. او در ضمن بررسی بسیاری از ویژگی‌های برجسته و عوامل تأثیرگذار در تمام این دوران، پس از نمایش تصویری جامع، واضح و مفید از جوامع عربی در هر دوره، به شرح ادبیات زمان موردنظر و معرفی شاعران برجسته آن زمان پرداخته است. چنان‌که پس از ارائه تصویری از جامعه عرب بدوی بیان داشته: «نظرم این است که اصل شعر عربی را بررسی کنم و شکل، محتوی و ساخت‌های عمومی آن و نمونه‌هایی از کار شاعران مشهور و مجموعه‌ای از شعرهای قبل از اسلام و بالاخره چگونگی حفظ و رسیدن آن به این زمان را نشان دهم.» (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۱۰۲) وی با در نظر گرفتن چنین رویکردی، در عصر جاهلی پس از شرح اغراض قدیمی اشعار و نیز بحرهای قدیمی به تحلیل ساختار و محتوای اشعار قدیمی، قصیده و شاعران مشهور آن دوران پرداخته است. در عصر اموی به رد نظریات متداول در اروپا پرداخته، نظریاتی مبنی بر این‌که محمد (ص)، با قرار دادن قرآن به‌عنوان نمونه‌ای غیرقابل تقلید از روش شعری و با محکوم نمودن شعرهای تحسین‌برانگیز زمان جاهلی و هنر شاعری، ذوق امتش را از بین برده است. در ادامه نیز با بیان دلایل تنزل شعر، وضعیت شعر را در این دوره چنین

توصیف می‌کند؛ «بسیاری از شاعرانی که پیامبر آن‌ها را محکوم نمود، از خطرناک‌ترین دشمنانش بودند؛ او از ایشان نه به‌عنوان شاعر بلکه به‌عنوان مبلغین عقاید پوچ بیزار بود... علت‌های تنزل شعر در این زمان نمی‌تواند تنها در اثر برخورد شخصی محمد^(ص) باشد، بلکه به علت شرایط گوناگون ناشی از نظام سیاسی و دینی بود که او برقرار کرد و اجتماع عرب را متحول کرد، شعرای این دوره که ما اکنون با آن‌ها سروکار داریم، کورکورانه قدم جای پای قدیمی‌ها گذاشتند و چنان می‌اندیشیدند و رفتار می‌کردند که گویی اسلام هرگز وجود نداشته است.» (همان: ۲۴۸) نیکلسون در ادامه به شاعران مشهور و نمونه‌های شعری آنان اشاره می‌کند. وی در رابطه با نثر نویسان اموی نیز با ارائه یک دید کلی مبنی بر چیرگی روحیه غیر اسلامی در این شاخه از ادبیات به معرفی چند تن از نویسندگان آن دوره می‌پردازد. نیکلسون پس از بررسی تحولات فراوانی که در دوران امویان و نیز با روی کار آمدن دولت عباسی پدید آمد، به شعر و ادبیات دوره عباسی پرداخته، به ویژگی‌های شعر جدید و معرفی چند تن از بهترین شاعران به همراه نمونه‌ای از اشعارشان به‌عنوان بهترین نمایندگان شعر این دوره می‌پردازد و بعد از توجه به مهم‌ترین تحول نوشتاری یعنی سجع و نویسندگان نام‌دار آن، به ادبیات مذهبی در دوره عباسی و سپس سایر علوم که در این دوره ترقی یافتند، می‌پردازد. نیکلسون شعر عربی در اندلس را ادامه شعر عربی در مشرق می‌داند و در این مورد می‌گوید: «قراردادها و قواعد دست‌وپاگیری که شاعران دربار بغداد و مراکش نمی‌توانستند خود را از آن رها سازند، با قدرت تمام در قرطبه و اشبیلیه باقی ماند. با وجود این، همان‌طور که شعر عربی در شرق تحت تأثیر فرهنگ ایرانی در آمد، در اسپانیا نیز به تدریج با آمیختن با فرهنگ آریایی‌ها و سامی‌ها عناصر جدیدی ارائه کرد که تأثیر خود را بر هر دوی آن‌ها به‌جای گذاشت. شاید جالب‌ترین خصوصیت شعر عربی - اسپانیایی، احساس لطیف عاشقانه‌ای باشد که به میزان زیادی در اشعار عاشقانه آن‌ها نمودار شده.» (همان: ۴۲۱) در پرداختن به شاعران عربی بعد از حمله مغول، بهترینشان را هنرمندانی می‌داند که با جملات و عبارات بازی می‌کنند و معتقد است که این تصنع افراطی می‌تواند با نبوغ شاعرانه بالایی همراه باشد به شرط آن که توانایی متنبری و جدیت معری و اشتیاق و شور

ابن فارض را پشت سر داشته باشند. (همان: ۴۵۵) و سپس به شاعران و ادیبان مشهور این دوره نیز می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

نیکلسون به تاریخ ادبیات اعراب نظم خاصی بخشیده است؛ وی پس از تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخی شاعران، شعر و ادبیات متعلق به هر دوره زمانی را مورد بررسی قرار داده است. ایشان با مطالعه و پژوهش در جنبه‌های مختلفی از زندگی اعراب؛ سیاسی، تاریخی، اجتماعی، اعتقادی و دینی موفق به ارائه یک تصویر تقریباً روشن از فرهنگ و ادب عرب گردیده است. نگرش وی به تاریخ و زندگی اعراب از زوایای مختلف، موجبات آشنایی بیشتر مخاطب با بخش عظیمی از زندگی آنان را فراهم آورده است. مؤلف در هر فصل در ابتدا، اوضاع و فضای حاکم بر جامعه، در اماکن مختلف را بررسی کرده سپس ادبیات و ادیبان نام‌آور و علوم رایج در هر زمان را مورد ارزیابی قرار داده است. وی همچنین از شیوه‌های دیگری نیز بهره گرفته است که عبارت‌اند از: ارائه مدارک و شواهد فراوانی که بیشتر آن‌ها جنبه علمی- پژوهشی دارند، بررسی رابطه دین و ادبیات عربی در طول تاریخ و نیز به تحلیل وقایع تاریخی با تکیه بر شواهد موجود در آثار ادبی، پرداخته است. نیکلسون برای وقایع و رخدادهای سیاسی در شکل‌گیری ادبیات نقش قابل توجهی قائل است، به گونه‌ای که در کتاب خود مفصلاً به این موضوع پرداخته است و گاه نیز جهت تحلیل وقایع فرهنگی، تاریخی و دینی از آموزه‌های دین مبین اسلام استفاده می‌کند.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. انوری، حسن. (۱۳۸۷) *فرهنگ اعلام سخن*. جلد سوم. چاپ سوم. تهران: سخن.
۲. بهار، محمدتقی. (۱۳۴۹) *سبک‌شناسی (جلد اول)* چاپ سوم - تهران: چاپخانه سپهر.
۳. بلاشر، رژی. (۱۳۶۳) *تاریخ ادبیات عرب (جلد اول)* ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش. چاپ اول: چاپخانه زندگی.
۴. گرین، کیست و جیل لبیهان (۱۳۸۳) *درس‌نامه نظریه و نقد ادبی*. ترجمه گروه مترجمان. چاپ اول. تهران: روزنگار.
۵. فتوحی، محمود. (۱۳۸۲) *نظریه تاریخ ادبیات*. چاپ اول. تهران: ناز.
۶. نیکلسون، رینولد آلن. (۱۳۸۰) *تاریخ ادبیات عرب*. ترجمه کیوان دخت کیوانی. چاپ اول. تهران: ویستار.
۷. هروی، جواد. (۱۳۸۶) *روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ*. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
۸. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۸) *منابع و روش تحقیق در ادبیات و فرهنگ ایران و تاریخ تصوف اسلامی*. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.

ب) مقالات

۹. افضل‌لی، علی. (۱۳۹۱) «نقد و بررسی نظریه دوره بندی سیاسی». پژوهشنامه نقد ادب عربی (شماره ۳) (۶۱/۶)
۱۰. برگاری، صالح. پروین. نادر. سلیمانیان. مسلم، امینی. زلیخا. (۱۳۹۱) «مکتب آنال، جامعیت فکری مورخ یا دترمینسیم محیطی». دوفصلنامه علمی پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء. سال بیست و دوم، دوره جدید. شماره ۱۰. پایب ۹۴.
۱۱. دادخواه، حسن. سعدونی. فاطمه. (۱۳۸۹) «شیوه‌های پردازش مشاهیر خاورشناسی به تاریخ ادبیات عرب». مجله زبان و ادبیات عربی. شماره سوم.
۱۲. سمیعی (گیلانی)، احمد. (۱۳۸۷) «گزارش آراء گوستاو لانتسون درباره روش تاریخ ادبیات نگاری». گلچینی از دیرینه‌ها - نامه فرهنگستان ۴/۱۰. صص ۱۷۸-۱۵۶.
۱۳. شایسته، فریدون. (۱۳۸۹) «کاربرد ادبیات در تاریخ‌نگاری». نشریه رشد آموزش تاریخ. دوره دوازدهم. شماره ۴۱. صص ۴۹-۴۵.
۱۴. متقی‌زاده، عیسی. نیکو بخت. الهام. (۱۳۹۳) «مقایسه ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی با موضوع سخن از لحاظ واژگانی، نحوی، بلاغی و معناشناسی». نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال ۶. شماره ۱۰.

(پ) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی

۱۵. فتوحی، محمود. (بی‌تا) «مفهوم تاریخ ادبیات معاصر چیست». نهمین نشست ادب معاصر. مجله فرهنگستان زبان و ادب فارسی (قسمت گزارش) صص ۴۵-۵۱. آدرس اینترنتی:

۱۶. <http://persianacademy.ir/UserFiles/Image/Gozaresh> ۰۳۰۷/GF۰۷
.pdf

